



انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴۱۹

# به باغ همسفران

در بارهٔ جبران و سپهری

تألیف:

دکتر سید حسین سیدی

عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

سیدی، حسین، ۱۳۴۱ -

به باغ همسفران: در باره جبران و سپهری / حسین سیدی. - مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد،

۱۳۸۴.

۲۵۶ ص. - (انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد؛ شماره ۴۱۹)

ISBN: 964-386-070-1

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. جبران، جبران خلیل، ۱۸۸۳-۱۹۳۱ م Gibran, Gibran kahlil نقد و تفسیر.

۲. سپهری، سهراب، ۱۳۰۷-۱۳۵۹ -- نقد و تفسیر. ۳. شعر عربی -- قرن ۲۰ م -- تاریخ و نقد. ۴. شعر

فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد. الف. دانشگاه فردوسی مشهد. ب. عنوان.

۸۹۲/۷۱۵

۸۳۵ ی ۴۲ ب / PJA ۴۸۵۶

۱۳۸۴

۸۴-۱۱۰۲۲ م

کتابخانه ملی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

انتشارات، شماره ۴۱۹

به باغ همسفران

در باره جبران و سپهری

تألیف

دکتر سید حسین سیدی

ویراستار علمی

حمید رضا آزیر - اندیشه قدیران

وزیری، ۲۵۶ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴

امور فنی و چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

بها: ۱۵۰۰۰ ریال

## فهرست مطالب

### بخش اول

- ۱- اوضاع فرهنگی ، ادبی دنیای عرب در عصر نهضت..... ۹
- ۲- نگاهی تطبیقی به اوضاع ادبی در ایران و دنیای عرب [دوران معاصر]..... ۲۲
- شعر معاصر عرب و ایران..... ۴۰
- نیما و نازک الملائکه..... ۴۵
- ۳- زندگی و اندیشه جبران خلیل جبران..... ۵۷
- ادبیات و سبک جبران..... ۶۵
- سبک جبران..... ۷۱
- جبران و سبک قرآن..... ۸۰
- عوامل تأثیر گذار بر ادبیات جبران..... ۸۲
- منتقدان جبران..... ۹۱
- نقد زبان شناختی آثار جبران..... ۹۸
- رسالت ادبیات و شعر از نظر جبران..... ۱۰۲
- جبران و رمانتیسیم..... ۱۰۸
- رمز در آثار جبران..... ۱۱۳
- اندیشه های جبران..... ۱۲۶
- جبران و نقاشی..... ۱۶۴

### بخش دوم: آفاق اندیشه سپهری

- ۱- زندگی و آثار سپهری..... ۱۷۱
- ۲- اصول اندیشه سپهری..... ۱۷۶
- وحدت وجود..... ۱۷۷
- پیام سهراب..... ۱۹۷
- نقاشی سپهری..... ۲۱۲
- سخن آخر..... ۲۲۶

(( تقدیم به همسر من به پاس همدلی ها و همراهی ها ))

### مقدمه

پژوهش حاضر بررسی و تحلیل اندیشه، آثار و رویکردهای دو شاعر و نقاش از مشرق زمین به جهان و انسان است. رویکرد این پژوهش، رویکرد تطبیقی در ادبیات نیست، و هدف آن بررسی تأثیر و تأثر شاعر و بانویسنده‌ای در دوره‌های مختلف از یکدیگر نمی‌باشد. آنچه پیش رو دارید بررسی جداگانه اندیشه و آثار هر یک از این دو هنرمند و آنگاه یافتن نقاط مشترک و غیر مشترک در جریان اندیشه و ورزی آنان است. اگر در بررسی اندیشه و آثار نویسنده و شاعری به جریان‌های فکری و روابط تأثیر و تأثر بپردازیم به شیوه ادبیات تطبیقی عمل کرده‌ایم؛ اما اگر پژوهش مستقل در آثار و افکار دو یا چند نویسنده و شاعر به قصد یافتن وجه تشابه یا تفاوت مد نظر باشد این بررسی در حوزه ادبیات تطبیقی جای نمی‌گیرد. زیرا چه بسا شاعر یا نویسنده و یا اندیشمندی در گوشه‌ای از جهان اندیشه‌ای را پرورده و در جایی دیگر اندیشه ورز دیگری همان ایده را مطرح نموده باشد؛ به حالتی که دو اندیشمند از هم خبر نداشته و رابطه تأثیر و تأثر نیز در میانشان برقرار نباشد ولی ایده‌ای واحد را ارائه نمایند؛ توارد می‌گویند.

هدف این پژوهش یافتن چنین اندیشه‌هایی در آثار دو شاعر و نویسنده بزرگ در ادبیات عربی و ادب فارسی است. هدف آن است که سپهری با سالها فاصله از جبران و احیاناً عدم آشنایی با آثار او، سخنانی بر زبان آورده که گویی تحت تأثیر او قرار داشته است. بنا بر بررسی‌های به عمل آمده هیچ‌یک از ناقدان اشعار و اندیشه‌های سپهری اظهار نداشته‌اند که او با آثار جبران خلیل جبران، نویسنده، نقاش و شاعر شهیر ادب معاصر عربی آشنایی داشته؛ اما یافتن وجه تشابه در نگرش به پدیده‌ها و تفسیر هستی در آثار آن دو بیانگر این حقیقت است که جهان اندیشه حد و مرز ندارد و نشان می‌دهد ممکن است شاعرانی یافت شوند که یک‌گونه بیندیشند ولی بیانی‌گونه‌گون داشته باشند. چرا که

حقیقت برای هر کس به گونه ای خاص از جمال خود حجاب بر می گیرد. تفسیر حقیقت به عبارات و اشارات متفاوت صورت می پذیرد بدین معنا که گویی همه اندیشه ورزان در بیان یک حقیقت اند اما مبانی فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، و حتی فردی در شیوه بیان و تفسیر آن تأثیر می گذارد. آنچه را جبران در فرهنگ عربی - مسیحی پرورش یافته در مغرب زمین بیان داشته به گونه ای با فرهنگ و پرورش اسلامی - ایرانی - سهراب سپهری شباهت دارد. گویی آنچه که در عالم عرفان و عشق مطرح است در عالم اندیشه و فکر نیز مطرح می باشد و به قول حافظ:

یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب کز هر زبان که می شنوم نامگر است  
داستان حقیقی، همان قصه وحدت در جهان اندیشه است که هر یک از اندیشه ورزان چه شاعر، چه نویسنده، چه فیلسوف و ..... همه از آن به شیوه بیانی خاص خویش حکایت می کنند. از دیر زمانی که به بررسی اندیشه های جبران و سپهری پرداخته ام آن دو را گاه به یکدیگر نزدیک و گاه از هم دور یافته ام. جبران بیشتر گرایش اجتماعی دارد و دغدغه او برقرار نبودن عدالت اجتماعی و تبعیض و ستمی است که بر آدمی در گستره تاریخ رفته است. اما سپهری شاعری با گرایشهای فرد گرایانه و باورمند به عرفانی شرقی است که به درون بیش از برون توجه دارد.

جبران در آثار خویش به سرنوشت آدمی در عرصه اجتماع اهمیت می دهد و در مقابل، سپهری به خلوت آدمیان با خویشتن خویش می پردازد. این تفاوت را در نقاشی های آن دو نیز می توان سراغ گرفت تقریباً در هیچ تابلوی نقاشی سهراب، اثری از آدمی دیده نمی شود. بر عکس جبران که بیشتر تابلوهایش تصویر گر انسان های برجسته و خاصی می باشند که وی به نوعی دلبسته آنان است. ولی با این همه هر دوی ایشان در بیان حقایق مشترکی چون تعهد هنر و ادبیات، حقیقت، تکثر گرایی، بینش مذهبی و ..... در یک نقطه به هم می رسند.

آنچه پیش رو است حاصل تلاش و دل مشغولی های نویسنده است که به زعم خود توانسته گامی چند در نزدیک ساختن افق های اندیشه این دو اندیشمند پردازد. بی تردید آثاری که به عنوان سرآغاز این جریان به نگارش در می آیند فارغ از ضعف و کاستی نیستند. امید

است اندیشه ورزانی دیگر با پیگیری و دقت بیشتر این مقصود را به کمال برسانند . در پایان بر خود لازم می دانم از مسؤلان محترم معاونت پژوهشی دانشگاه فردوسی و دوستان ارجمند جناب آقای آذیر و اندیشه قدیریان و تمام دوستانی که به نوعی در بهبودی این اثر همراه من بوده اند سپاسگزاری نمایم .

سید حسین سیدی

مشهد \_ تابستان ۱۳۸۳